

22-05-2013

## منارعه و خصومت میان پاکستان و افغانستان؛ ریشه ها و راه حل

محمداکرام اندیشمند



عمر اختلاف و منازعه میان افغانستان و پاکستان مساوی به عمر تشکیل کشور پاکستان (1947) است. هرچند حکومت ها و زمام داران هر دو کشور در این شصت و شش سال بگونه ی متفاوت اختلاف و منازعات طرفین را که در واقع به دشمنی مژمن و پوشیده مبدل شده است، بازتاب داده اند.

پاکستان به عنوان بزرگترین کشور همسایه افغانستان که با موقعیت در دوسوی مرزهای جنوبی و شرقی بیشترین فاصله مرزی (در حدود 2600 کیلومتر) را با افغانستان دارد، از مهم ترین همسایه های نقش آفرین و تأثیرگذار در تحولات و حوادث دهه های اخیر افغانستان است. منازعه و دشمنی و همچنان تفاهم و تعامل با پاکستان در چگونگی تحولات مختلف سیاسی، امنیتی، اجتماعی و اقتصادی افغانستان اثر عمیق، گسترده و غیرقابل انکار بجا میگذارد. افزون برآنکه افغانستان با پاکستان و به خصوص با جامعه پشتون پاکستان، از روابط مشترک فرهنگی، نژادی، تاریخی، مذهبی و زبانی برخوردار است. این روابط و همجواری دوکشور با طولانی ترین مرز و تنازعات برسر مسایل گوناگون به شکل دهی اهداف و منافع مشترک، متفاوت و متقابل برای طرفین انجامیده است. دولت ها و زمام داران افغانستان و پاکستان دسترسی به آن را بخشی از اهداف استراتژیک و منافع ملی خود تلقی میکنند. و درسایه این تعریف و تلقیات، مناسبات طرفین در طول شصت و شش سال مسیری پر فراز و نشیب پیموده است. هنوز این مسیر برای طرفین پر خم و پیچ است و

هنوز دوکشور مسیر ناهموار و دشوار تقابل و تعارض را به مسیر تعامل و توازن در مناسبات و روابط خویش تبدیل نکرده اند. در بحث بر سر مناسبات افغانستان و پاکستان دو موضوع از مباحث اصلی شمرده می شود که با بیان شفاف و پاسخ روشن به پرسش های نهفته در آنها میتوان نقشه مناسب راه را در عبور از دشواریها و ناهمواریهای روابط طرفین ترسیم کرد: نخست، ریشه یابی دقیق منازعات و بیان درست اهداف و منافع متعارض و متقابل طرفین در این اهداف و منازعات. دوم، ارائه راه حل عملی در جهت دریافت و شکل گیری تعامل و توازن در اهداف و منافع متفاوت و متقابل دو کشور.

### **منازعه دیورند، اهداف و منافع پاکستان در افغانستان:**

مرزدیورند و توافقنامه دیورند که در نخستین سال تشکیل کشور پاکستان (1947) عیسوی به منازعه میان افغانستان و پاکستان تبدیل شد، روابط میان طرفین را از آن زمان تاکنون در مسیری اعتمادی و خصومت قرار داد. توافقنامه یا معاهده دیورند که در 1893 میان امیر عبدالرحمن و حکومت بریتانیایی هندامضاء شد، مرزهای جنوبی و شرقی افغانستان را شکل داد. این توافقنامه و سایر معاهدات با حکومت انگلیسی هند را شورای ملی افغانستان در سال 1949 پس از ایجاد تنش رو به تزاید میان دوکشور بی اعتبار اعلان کرد. هرچند که معاهده دیورند پس از امیر عبدالرحمن خان ازسوی امیر حبیب الله، امان الله شاه، محمد نادر شاه و محمد ظاهر شاه تا سال 1949 مورد تأیید و پذیرش قرار گرفت.

علی رغم آنکه دولت ها و دولتمداران مختلف افغانستان در طول بیش از شش دهه اختلاف و منازعه بر سر دیورند، بیان و سیاست شفاف در این مورد نداشته اند، اما عدم پذیرش مرز دیورند از سوی افراد، حلقه ها و گروه های مدعی آنسوی دیورند چه در درون حاکمیت و چه بیرون از حاکمیت در جهت بازگرداندن خاک ها و سرزمین های از دست رفته افغانستان تلقی می شود. سرزمین های که سه ایالت (خیبر پختونخوا، سند و بلوچستان) از چهار ایالت پاکستان به شمول مناطق هفتگانه قبایلی را در بر می گیرد. بنا بر این منازعه دیورند برای پاکستان منازعه مرگ و زندگی محسوب می شود. پیروزی مدعیان آنسوی دیورند تاگوادر و کراچی برای افغانستان در این منازعه نابودی کشوری بنام پاکستان است. معهدا پاکستان از همان آغاز منازعه دیورند توسط کابل، این منازعه را به ابزار منافع ملی خود تبدیل کرد و از آن در این جهت سود برد.

پاکستان در سال های نخست منازعه دیورند چیزی بیشتر از انصراف افغانستان در مورد آنسوی دیورند و پابندی کابل به تعهدات دولت ها و زمامداران پیشین افغانستان در مورد معاهده دیورند نمی خواست. اما در سالهای بعد و به ویژه پس از نیمه دوم دهه هفتادسده بیستم که ارتش پاکستان به خصوص سازمان استخبارات نظامی آن ISI داعیه دیورند را به حالت معکوس در آورد و کابل را از آنسوی دیورند مورد تهدید قرارداد و پاکستان متدرجاً به قدرت اتمی دنیا تبدیل شد، سطح مطالبات خود را بالا برد. اکنون پاکستان به عنوان کشوری که در تمام عرصه های حیات نظامی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی از افغانستان برتری دارد و در عقب جنگ و بی ثباتی

افغانستان ایستاده است، شش مطلب را در افغانستان بخشی از اهداف و منافع ملی خود تلقی می کند و دسترسی به آنرا در صدر استراتژی خود قرار داده است:

1- انصراف افغانستان از منازعه دیورند و شناخت مرز دیورند به عنوان مرز دو کشور

2- کاهش مناسبات نزدیک کابل با دهلی نو در پرتو آگاهی و نظارت پاکستان

3- ایجاد خط ترانزیت و دسترسی بلامانع پاکستان به منابع انرژی و بازار آسیای میانه از طریق افغانستان

4- تضمین دسترسی به منابع مشترک آبی افغانستان

5- مشارکت بلامانع در برنامه های بازسازی و بازار افغانستان

6- اقتدار دولت دوست درکابل برهبری و محوریت پشتون ها و ایجاد روابط نزدیک و دوستانه میان کابل و اسلام آباد

برخی تحلیلگران دسترسی پاکستان به افغانستان را عمق استراتژیک آن کشور در دشمنی باهند تلقی می کنند که تنها شناسایی مرز دیورند به دخالت اسلام آباد نقطه پایان نمیگذارد. اما با توجه به اینکه هند و پاکستان هر دو صاحب سلاح اتمی و سلاح های پیشرفته متعارف هستند که درچنین حالت موضوعی بنام عمق استراتژیک رنگ و اهمیت خود را از دست میدهد. در این مورد اسرائیل کشور کوچک فاقد عمق استراتژیک در برابر کشورهای عرب دارای عمق استراتژیک مثال خوبی می تواند باشد.

### **منافع افغانستان در پاکستان:**

دنیای سیاست، دنیای تعامل و منافع متقابل است. اگر پاکستان اهدافی را به عنوان منافع ملی واهداف استراتژیک خود در افغانستان مدنظر قرار میدهد، افغانستان نیز در پاکستان دارای منافع ملی و استراتژیک است.

صرف نظر از اینکه دولت ها و زمامداران افغانستان دیورند رابه عنوان منافع ملی به منازعه با پاکستان تبدیل کردند و هنوز شماری از حلقه ها و گروه های سیاسی و اجتماعی بسوی این منازعه با دیدخاصی نگاه می کنند و دسترسی به آنسوی دیورند را جزوی از منافع ملی می پندارند، افغانستان جدا از دیورند منافع ملی بسیاری درپاکستان دارد. افغانستان بدون دسترسی به آن منافع از ثبات سیاسی، عدالت اجتماعی، پیشرفت اقتصادی، اقتدارنظامی، آرامش و امنیت محروم میماند. این منافع عبارتند از:

1- دسترسی آسان و بلامانع افغانستان به راه بحری از طریق بنادر کراچی و گوادر با ایجاد راه آزاد ترانزیت از افغانستان تا آن بنادر.

2- تخصیص زمین موردنیاز به افغانستان در بندر کراچی و گوادر غرض ایجاد تسهیلات صادرات و واردات اموال، امتعه و تمام تولیدات زراعتی و صنعتی داخلی وخارجی.

3- پرهیز از هر گونه دخالت در امور داخلی افغانستان.

4- جلوگیری از فعالیت خرابکارانه مخالفین مسلح دولت افغانستان در خاک پاکستان.

- 5- تحویل مخالفان مسلح، مجرمین جنایی، قاچقچیان مواد مخدر و تمام افراد و حلقه های مافیایی اتباع کشور افغانستان به دولت افغانستان.
- 6- ایجاد خط و یا دهلیز ترانزیت و دسترسی آزاد و بلا مانع تاجران افغانستان در صدور و ورود اموال و محصولات زراعتی و صنعتی از طریق پاکستان به کشور هند.
- 7- امضای توافقات دوجانبه اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و امنیتی غرض گسترش روابط در تمام این عرصه ها با حد اکثر تسهیلات.

### **ایجاد توازن در منافع متقابل افغانستان و پاکستان:**

یکی از نکات بسیار مهم در مناسبات افغانستان و پاکستان تغییر از مسیر خصومت بسوی تعامل در جهت منافع مشترک است. اگر نکات و مطالب متذکره برای طرفین به عنوان اهداف حیاتی و منافع استراتژیک مطرح نظر باشد، آیا تقابل افغانستان و پاکستان بر سر این منافع و اهداف به توازن و توافق می انجامد؟ این در حالی است که دسترسی پاکستان و افغانستان به این اهداف و یا بیشتر از آن توأم بادشواری و پیچیدگی های بسیاری خواهد بود. یکی از پیچیدگی ها در این جهت این است که مطالبات دوطرف به عنوان اهداف اساسی و منافع ملی، زیاده خواهی بیش از حد، غیر عملی و غیر قابل پذیرش برای طرف مقابل باشد.

بدون تردید مذاکره میان پاکستان و افغانستان یگانه راه خواهد بود. اما وقتی مذاکره یگانه گزینه و تنها راه حل باشد، این راه را پاکستان و افغانستان بارها و سالها طی کرده اند. چرا هر دو طرف در این مسیر موفقیتی بدست نیاوردند؟ نکته مهم در پاسخ به این پرسش به عدم شفافیت و صداقت طرفین در مذاکره بر میگردد. دولت های پاکستان و افغانستان به خصوص در این ده سال اخیر بارها باهم مذاکره داشتند. رئیس جمهور کرزی در طول سالهای حکومت خود تا اکنون (28 اپریل 2013) شانزده بار به پاکستان سفر کرد و بارها میزبان زمام داران پاکستانی در کابل بود. اما آنها هیچگاه در گفتگوهای خود بدون دور از کتمان و تظاهر خواسته های اصلی را با شفافیت مطرح نکردند. در حالی که دسترسی به توازن و تعادل بر سر منافع متقابل بدون مذاکرات شفاف و ارائه تمام آنچه که از سوی هر دو کشور اهداف استراتژیک و منافع ملی تلقی می شود بروی میز مذاکره غیر محتمل است.

منزاعه دیورند عمده ترین نکته خصومت و تقابل میان افغانستان و پاکستان است؛ اما هر دو طرف از مذاکره شفاف بر سر این منازعه پرهیز می کنند. پاکستان علی رغم آنکه در ظاهر معضل دیورند را یک امر انجام یافته می پندارد ولی تمام عملکرد خصومت آمیز اسلام آباد علیه افغانستان ریشه در این معضل دارد. معهدا نقطه آغاز و ایجاد توازن در تقابل منافع طرفین از مذاکره بر سر منازعه دیورند بر می خیزد. آغاز مذاکره بر سر منازعه دیورند غرض حل این منازعه جرئت و شهامت سیاسی زمام داران و دولت افغانستان را مطالبه دارد. دولت باید حل این منازعه را به یک گفتمان ملی و همگانی مبدل کند.

پادرمیانی مجامع بین المللی به خصوص سازمان ملل، کشورهای تأثیر گزار اسلامی، ایالات متحده امریکا و اتحادیه اروپا، روند مذاکره میان افغانستان و پاکستان

را بسوی موفقیت میبرد. نقش مثبت آنهادر این گفتگوها به ایجاد توازن در اهداف و منافع متقابل طرفین می انجامد و متضمن توافقات مذاکرات میباشد. هیچ فرصتی بهتر ازحالا برای افغانستان درحل منازعه دیورند نیست که دولت آن ازحمایت نظامی ومالی ایالات متحده امریکا و دنیای غرب و حتا کشورهای رقیب و مخالف امریکا برخوردار است.